

آتش به اختیار ۲



محسن کدیور

۲۱ خرداد ۱۳۹۶

آتش به اختیار اصطلاحی نظامی است که رهبر جمهوری اسلامی در سخنان مورخ ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ خود با دانشجویان برای نخستین بار در فضای سیاسی اجتماعی فرهنگی کشور مطرح کرد. (۱)

۱

الف. آتش به اختیار حکمی حکومتی است به همه مدافعان نظام که برای مقابله با دشمنان در تمام عرصه ها از هر طریقی که مصلحت بدانند می توانند استفاده کنند. بنابراین اولاً این حکم حکومتی منحصر به عرصه فرهنگی نیست، و یقیناً عرصه سیاسی اعم از داخلی و خارجی را دربرمی گیرد. ثانیاً دست افسران جنگ نرم و بطور کلی مدافعان نظام باز است که متناسب با شرایط خود تصمیم مقتضی را اتخاذ کنند.

ب. اگر مقابله با دشمنان نظام و متمردان از مرکز بریده غرب زده با طرق مسالمت آمیز قانونی میسر است از این طرق، و اگر کمی تا قسمتی خشونت لازم است، یا نقض قانون و زیرپا گذاشتن موازین اخلاقی یا شکستن موازین شرعی ضروری باشد، در ضرورت که اکل میته هم جایز است، در نظام ولایت مطلقه استیفای مصلحت نظام هم که اجازه زیر پا گذاشتن عبادات و معاملات را به سادگی می دهد، لذا جای نگرانی نیست، چرا که نقض موقت دین و اخلاق و قانون برای حفظ روح دین و اخلاق و قانون است، و این روح چیزی جز مقام عظمای ولایت و نظام ولایی نیست، واضح و مبهرن است که احکام شرعی و موازین اخلاقی و قوانین کشور را بدون کمترین دغدغه ای می تواند قربانی کرد تا سر خُم می که همان حفظ نظام باشد - که اوجب واجبات است - سلامت بماند.

پ. چرا حکم حکومتی «آتش به اختیار» تازگی دارد؟ در دوران نهضت - یعنی قبل از پیروزی انقلاب - البته آقای خمینی دست انقلابیون را برای استفاده از طرق گوناگون برای ضربه زدن به نظام طاغوتی باز گذاشته بود. از جمله ایشان در حکم حکومتی سال ۱۳۴۸ فرمان برداشتن عمامه روحانیون درباری، و ضرب و شتم (۲) و «حتی تهمت زدن به ایشان» (۳) را صادر کرده بود.

ت. اما در زمان استقرار نظام واضح است که همه باید تابع قانون و به تعبیر جمهوری اسلامی تابع دستورات مقام معظم رهبری باشند، و به کسی مجوز اقدام بر اساس تشخیص شخصی داده نشده است. می توان گفت که جمهوری اسلامی از این حیث به سه مقطع قابل تقسیم است، که به اختصار از آنها با عناوین دوران نهادهای انقلابی، دوران اقدامات خودسرانه، و دوران آتش به اختیار می توان یاد کرد.

ث. در دوران نهادهای انقلابی (۱۳۶۸-۱۳۵۷) نظام کوشش می کند از طریق نهادهایی از قبیل دادگاه انقلاب و سپاه پاسداران بر اوضاع مسلط شود. در این دوران که مصادف با دهه اول استقرار جمهوری اسلامی است، اکثریت قاطع مردم پشتیبان نظام و خط مشی رهبری هستند. رهبری با یک اشاره علنی منویات خود را پیش می برد و مردم با جاذبه کارزماتیک و دینی رهبر به شکل خودجوش منویات او را جامه عمل می پوشانند.

ج. در دوران دوم (۱۳۹۶-۱۳۶۸) اگرچه نهادهای انقلابی کماکان فعال هستند، اما نظام و رهبری به میزان سابق از پشتیبانی قاطع مردم برخوردار نیست و اکثریت شکننده ای طرفدار رهبری و نظام هستند که بتدریج رو به کاهش فزاینده است. بسیج مردم در این دوره به ندرت خودجوش است. نیروهای لباس شخصی یا همان گروههای فشار به تحمیل اهداف خاص نظام بر جامعه و سرکوب مخالفان و منتقدان می پردازند. در داخل نهادهای امنیتی (از قبیل وزارت اطلاعات) معاونتی ماموریت حذف فیزیکی منتقدان و مخالفان مسالمت جو را به عهده دارد.

این جریانات (اعم از گروههای فشار لباس شخصی مامور به ضرب و شتم و برهم زدن مراسم و مراکز منتقدان، یا ماموران امنیتی مامور به قتل مخالفان) در صورت افشا شدن به عنوان «جریانهای خودسر» معرفی می شوند، در حالی که یقیناً چه ماموران بسیج یا لباس شخصی چه ماموران امنیتی هیچکدام خودسرانه عمل نکرده اند، بلکه دقیقاً بر اساس دستور سازمانی عمل نموده و برای تمام این عملیات از کشتن، ضرب و شتم، بر هم زدن مراسم و

مراکز، اسیدپاشی، بمب گذاری و غیره در داخل یا خارج از کشور مثل هر ماموریت دیگر حقوق، حق ماموریت، اضافه کار و پاداش گرفته اند.

چ. در دوران سوم (از ۱۷ خرداد ۱۳۹۶) کشور وارد مقطع جدیدی شده است. نهادهای انقلابی کماکان مشغول فعالیت هستند. از بین این نهادها سپاه به قوی ترین نهاد نظامی، امنیتی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تبدیل شده، غولی که قدرت آن کمتر از دولت نیست. جریانهای خودسر هم کماکان مشغول انجام وظیفه هستند. مهمترین مرکز نیروهای مسمی به خودسر در حال حاضر سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (از ۱۳۸۸) و سازمان بسیج مستضعفین (نیروی مقاومت سپاه) هستند. حکم حکومتی اخیر رهبری علاوه بر دو جریان فعال قبلی کشور را وارد مرحله «آتش به اختیار» کرد، که معنای آن فعالیت هر طرفدار نظام برای ضربه زدن به فعالیتهای گوناگون دشمن بدون نیاز به داشتن برگه ماموریت و و بدون نیاز به هماهنگی با فرماندهی و صرفا بنا بر تشخیص فردی است.

۳

ح. دشمن منحصر به دشمن خارجی از قبیل استکبار جهانی، صهیونیسم بین المللی و رژیمهای مرتجع منطقه نیست، بلکه دشمنان داخلی از قبیل غرب زده ها و متمردان از اطاعت محض و بی چون و چرا از رهبری که در حال حاضر ریاست قوه مجریه و بخش قابل توجهی از مجلس و شوراهای شهر و روستا را با رای مردم تصاحب کرده اند، هم می شود. و اتفاقا شان نزول این حکم حکومتی با دو مثال ۲۰۳۰ یونسکو و ربنای شجریان مقابله با دولت حسن روحانی است که کمتر از دو ماه دیگر دور دوم خدمت خود را آغاز می کند. واضح است که عرصه فرهنگ و علم اعم از دانشگاه، کتاب، فیلم، سینما، تئاتر و موسیقی هم در سیطره همین جریان مبعوض نظام است. افسران جنگ نرم مجازند هرگونه مصلحت تشخیص می دهند برای مقابله با این دشمنان داخلی و خارجی اقدام کنند. به

آتش به اختیار ۲

عبارت دیگر اقلیت مجاز است برای مقابله با اکثریت ملت ایران - که به نظر رهبری اغوا شده - به هر شیوه ممکن دست یازد تا مبادا فرمان از دست مقام معظم رهبری خارج شود.

خ. چرا این حکم حکومتی منحصر به روشهای فرهنگی قانونی نیست و روشهای خشن غیرقانونی را هم دربرمی گیرد؟ پاسخ بسیار ساده است. اولاً دست یازیدن به روشهای فرهنگی تبلیغی-فرهنگی قانونی که نیاز به مجوز رهبری نداشت! حتی اگر ایشان هم ابراز نمی کردند، پیروان ایشان چند دهه است به چنین فعالیتهایی مشغول بوده اند. ثانیاً اصطلاح «آتش به اختیار» به هیچ وجه ناظر به چنین فعالیتهای مسالمت آمیز فرهنگی در شرایط عادی نیست. این اصطلاح نص و صریح در شرایط ویژه خروج از نظم سازمانی (= قانون و تبعیت از سلسله مراتب) و بدست گرفتن ابتکار عمل توسط هر شخص است. فعالیت مسالمت آمیز فرهنگی را که به «آتش» تعبیر نمی کنند!

د. اگرچه در بند میم وصیت نامه الهی سیاسی بنیانگذار جمهوری اسلامی بطور کلی آمده بود که اگر مسئولان در مقابله با آزادی های غربی کوتاهی نمودند، مردم و جوانان حزب اللهی «مکلف به جلوگیری هستند.» اما حکم حکومتی اخیر «آتش به اختیار» در مقایسه با آن چند ویژگی دارد. اولاً اینکه این کلام آقای خامنه ای تبیین و تفسیر بیان مختصر و مجمل آقای خمینی است. ثانیاً به نظر دومین رهبر جمهوری اسلامی زمان اجرایی شدن بند میم وصیت نامه رسیده است. یعنی ایشان از نصیحت و حرف شنوی مسئولین اجرایی کشور (دولت حسن روحانی) قطع امید کرده و به پیروانش علناً اعلام می کند که نوبت به انجام وظیفه شما رسیده است. ثالثاً آقای خامنه ای با بکار بردن اصطلاح نظامی که بارخاص خود را دارد حکم حکومتی ورود جمهوری اسلامی به مرحله جدید را صادر کرد، مرحله خودکفایی افسران جنگ نرم و تصمیم سازی مبتکرانه ایشان برای مقابله با ترفندهای دشمنان خصوصاً دشمنان داخلی.

ذ. حکم حکومتی «آتش به اختیار» برداشتن سر بطری نظم قانونی و آزاد کردن غول آنارشیسم و هرج و مرج به سودای حذف دشمن خصوصاً دشمن داخلی و رقیب به هر شکل ممکن است. این غول حتی به ولی نعمت خود که

آتش به اختیار ۲

در بطری را باز کرده رحم نخواهد کرد. در فضای «آتش به اختیار» تنها غول مسلحی مثل سپاه است که می تواند جریانها را به سمت و سویی که خود مایل است پیش ببرد و از آب گل آلود ماهی بگیرد.

ر. اگر مقام رهبری در زمان سخنرانی، متوجه لوازم خطیر بیانات خود نبوده، و اکنون به خطرات چنین فرمان گل و گشادی به پیروان خود واقف شده، راه حل آن این است که ایشان در نخستین اظهار نظر خود حرفش را پس گرفته، حکم حکومتیش را ملغی نماید، و بر اجرای دقیق قانون در همه شرایط تاکید کرده، صریحا اعلام کند احدی حق نقض قانون را به هیچ عنوانی ولو تحت عناوین دفاع از مصلحت نظام و پیروی از منویات رهبری ندارد، و دست یازیدن به هر نوع اعمال خشونت نسبت به شهروندان - خارج از دادگاه صالحه - مطلقا ممنوع است. اگر ایشان به این امور تصریح نکند معنایش صحت تبیین انجام شده از حکم حکومتی «آتش به اختیار» در دو یادداشت اخیر این قلم است. امیدوارم ایشان تا دیر نشده گفته خطیر خود را اصلاح کند. (۴)



۱. آتش به اختیار، بخش اول، ۱۸ خرداد ۱۳۹۶.
۲. «باید جوانهای ما عمامه اینها را بردارند. عمامه این آخوندهایی که به نام فقهایی اسلام، به اسم علماء اسلام این طور مفسده در جامعه مسلمین ایجاد می کنند باید برداشته شود. من نمی دانم جوانهای ما در ایران مرده اند؟ کجا هستند؟ ما که بودیم این طور نبود؟ چرا عمامه های اینها را بر نمی دارند؟ من نمی گویم بکشند؟! اینها قابل کشتن نیستند، لکن عمامه از سرشان بردارند. مردم موظف هستند، جوانهای غیور ما در ایران موظف هستند که نگذارند این نوع آخوندها (جل جلاله گوها) معمم در جوامع ظاهر شوند و با عمامه در بین مردم بیایند. لازم نیست آنها را خیلی کتک بزنند! لیکن عمامه هایشان را بردارند، نگذارند معمم ظاهر شوند.» (خمینی، روح الله؛ ولایت فقیه: حکومت اسلامی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸، ص ۱۴۸)
۳. «اینها که جایز است غیبتشان در یک روایتی - در بعضی [روایات] هست که الآن یادم نیست - تهمت هم به آنها [جایز است]، تهمتی که از گناهان کبیره است در همچو مواردی، گاهی وقتها جایز، گاهی وقتها واجب می شود. این آخوند اگر آبرو هم داشته باشد

آتش به اختیار ۲

باید در جمعیت ساقط شود، اگر این در جمعیت ساقط نشود، امام زمان را ساقط می کنند، اسلام را ساقط می کنند. اینها را باید ساقط کرد.» پیاده شده از فایل صوتی درسهای ولایت فقیه نجف در بهمن ۱۳۴۸. بیانات فوق از متن کتاب حذف شده است! فایل صوتی را می توانید در لینک زیر بشنوید: [دریافت فایل صوتی](#)

مراد ایشان از راویتی که تهمت زدن را جایز شمرده روایت «باهتوهم» است. (الکافی، ج ۲ ص ۳۷۵) ترجمه این حدیث: «رسول خدا فرمود: هرگاه پس از من اهل ریب (کسانی که در دین القای شبهه می کنند) و بدعت را دیدید، از آنها بطور علنی براءت جوئید، و بیزاری خود را از آنان آشکار نمائید، به آنها سخت دشنام دهید، و درباره شان بدگوئی کنید، تا به فساد در اسلام طمع نکنند و مردم از آنها دوری نمایند، و بدعتهای آنان را یاد نگیرند (که اگر این کارها را کردید) خداوند در برابر این کار برای شما ثواب می نویسد، و درجاتتان را در آخرت بالا می برد.» (محمد رضا مهدوی کنی، کتاب نقطه های آغاز در اخلاق عملی، بحث غیبت بدعت گزار، صفحه ۲۰۷، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳، چاپ جدید: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰) برای نقد سند و دلالت این حدیث بنگرید به یادداشت [حفظ نظام با اسرائیلیات](#)، به همین قلم، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۱. درباره مشکلات اخلاقی چنین رویکردی در کتاب زیر بحث کرده ام: [انقلاب و نظام در بوته نقد اخلاقی](#): آیت الله سید محمد روحانی، مباهته و مرجعیت؛ ۱۳۹۳؛ ویرایش دوم: ۱۳۹۴؛ مجموعه ای مواجهه ای جمهوری اسلامی با علمای منتقد، دفتر سوم، فصل چهاردهم: انقلاب و نظام در بوته نقد اخلاقی ص ۱۶۹-۱۵۵. ۴. بخشی از این یادداشت در مصاحبه زیر بیان شده است: «آتش به اختیار»؛ شلیک به کجا و چه کسی؟ مصاحبه فرین عاصمی با محسن کدیور و فرج سرکوهی، برنامه دیدگاه ها، رادیو فردا، ۲۰ خرداد ۱۳۹۶. [دریافت فایل صوتی](#)



<http://kadivar.com/?p=16035>

kadivar.mohsen59@gmail.com

تمام حقوق محفوظ است.

نقل مطلب به هر صورت تنها با ذکر منبع مجاز است.